

تأثیر سازوکارهای حاکمیت داخلی بر مدیریت سود بانکها در بازار سرمایه ایران

فرزانه رحیمی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران. (نویسنده مسئول).

Farzaneh.rahimi61@gmail.com

دکتر علیرضا اسکندری

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران.

a.eskandari@rasam.ac.ir

شماره ۹۰ / بهار ۱۴۰۳ (جلد سوم) / صص ۱۴۷-۱۶۴
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هفتم)

چکیده

هدف این تحقیق تأثیر سازوکارهای حاکمیت داخلی بر مدیریت سود بانکها در بازار سرمایه ایران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ بوده است. تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد. روش تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی قرار داشته و از نظر روش نیز در دسته تحقیقات علت و معلولی محسوب می گردد. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شد. بر اساس روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۶ بانک به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید که شامل ۱۴۴ سال - بانک مشاهده شده است. به منظور تحلیل داده ها آزمون های F لیمر، آزمون هاسمن و سپس از آزمون رگرسیون چند متغیره برای تأیید و رد فرضیه های تحقیق (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. نتایج آزمون فرضیه های تحقیق نشان داد، اندازه هیئت مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره و استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه های مدیریت سود اثر معناداری دارد.

واژگان کلیدی: اندازه هیئت مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، استقلال کمیته حسابرسی، شیوه های مدیریت سود.

مقدمه

مدیریت سود را به عنوان یک انتخاب از طریق مدیریت خط مشی ها و سیاست های حسابداری، یا فعالیت های واقعی تأثیر گذار بر سود را جهت دستیابی به اهداف گزارش سود ویژه بیش تر تعریف می کنند. برای کاهش خلاء عدم تقارن اطلاعات بین نماینده و کارگزار، مدیریت سود می تواند به عنوان یک ابزاری برای برقراری ارتباط بین اطلاعات داخلی با بازار مورد استفاده قرار گیرد. مطالعات نشان می دهند که مدیریت سود، به طور کلی از دو راه امکان پذیر است: مدیریت فعالیت های واقعی و مدیریت ارقام تعهدی. در مدیریت سود از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری، رویه های حسابداری به کار گرفته شده مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری است، اما تلاش می شود که عملکرد اقتصادی واقعی، مبهم نشان داده شود. مدیریت سود واقعی زمانی روی می دهد که مدیران فعالیت هایی انجام دهند که آن ها را از بهترین عملکرد منحرف کند، تا بتوانند سودهای بالاتری گزارش کنند. از آن جا که هر دو رویکرد مدیریت سود، فعالیت های هزینه بر بوده و انجام آن ها با محدودیت هایی رویه رو است، انتظار می رود شرکت ها بر مبنای هزینه های نسبی دو رویکرد، بر اساس یک رابطه جایگزینی از آن ها استفاده کنند؛ به این معنا که وقتی یک رویکرد نسبتاً پرهزینه است، شرکت ها به استفاده بیشتر از رویکرد دیگر روی خواهند آورد. مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیران از قضاوت در گزارشات مالی و در ساختار بندی معاملات استفاده می کنند. مدیریت سود از طریق تغییری در فرآیند تعهدی یا

یک انحراف از فعالیت کسب و کار نرمال و طبیعی یا هر دو بطور همزمان ایجاد می شود. نه تنها مدیریت سود تحت تأثیر عوامل و فاکتورهای مرتبط با هر مدیر و هر شرکت قرار می گیرد، بلکه از عوامل سازمانی نظیر قوانین و مقررات، مکانیزم ها و رویه های بازار و اصول و قواعد نیز تأثیر می پذیرد. گرایش و تمایل مدیریت سود به ساختارهای سازمانی ایبی بستگی دارد که در آن ساختارها سودهای حسابداری مورد استفاده قرار می گیرند. از مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود استنباط می شود که تفاوت ها و تمایزها در مدیریت سود می توانند از طریق فاکتورهای سازمانی تشریح شوند (هالاو و همکاران^۱، ۲۰۱۶).

عوامل بسیار زیادی وجود دارد که بر مدیریت سود تأثیرگذار است، اما حاکمیت داخلی از مهمترین عواملی هستند که از آنها به عنوان عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، نام برده شده است.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، حاکمیت داخلی است. حاکمیت داخلی به عنوان سیستمی از قوانین، مقررات موسسات، بازار، قرارداد و سیاست های شرکت ها و روش هایی مانند (سیستم کنترل داخلی، راهنمای خط مشی و بودجه ها) که مستقیم و تحت تأثیر فعالیت های تصمیم گیرندگان سطوح بالا در شرکت تعریف شده است. با توجه به تئوری نمایندگی، یکی از اهداف حاکمیت شرکتی تضمین عملکرد مؤثر کنترل های مالی از طریق روش های زیر است؛ اولاً، مدیریت بطور مستقیم به کنترل و نظارت روند مالی روزانه از طریق فعالیت های داخلی و مسئولیت پذیری و قابلیت اطمینان اطلاعات مالی بپردازد. دوماً، حاکمیت شرکتی کنترل فعالیت های مالی مدیریت، همچنین هیئت مدیره، حسابرسی و گزارشات مالی و قابلیت اطمینان این روند را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد (کائو و همکاران^۲، ۲۰۱۷). این فاکتور مکانیزمی مهم برای کاهش مشکلات سازمان ها و شرکت هاست و هدف اصلی آن تشویق کارکنان داخلی برای انجام فعالیت ها بر طبق منافع سهامداران و ذینفعان است و به تجزیه و تحلیل مباحثی مانند؛ ساختار مالکیت، هیئت مدیره، و سایر ویژگی ها مربوطه به شرکت می پردازد. در واقع حاکمیت شرکتی مجموعه روابطی است بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت که تضمین کننده کنترل به منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست فعالیت ها و اقدامات و جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی می باشد (کائو و همکاران، ۲۰۱۷).

کیفیت گزارشگری مالی مدت هاست که به دلیل اثرات و پیامدهای اخلاقی گسترده تری که بر ذینفعان مختلف دارد مورد بحث قرار گرفته است (ولادو و همکاران^۳، ۲۰۱۷). رسوایی های شرکتی (مانند انرون و ورلدکام) نگرانی های جدی در مورد اعتبار صورت های مالی در دهه گذشته ایجاد کرده است. سازمان ها از مشروعیت برخوردارند زیرا نشان می دهند که فعالیت هایشان با پذیرش گسترده جامعه همخوانی دارد. مدیران ممکن است در برخی موقعیت ها انگیزه داشته باشند تا نشان دهند که شرکت هایشان به سیستم های رایج هنجارها، باورها و ارزش های فرهنگی قابل قبول پایبند هستند تا به سازمان خود مشروعیت بخشند (ویجایانا و گری^۴، ۲۰۱۸). یک سیستم حاکمیت ضعیف احتمالاً انگیزه های مدیریتی را برای دست کاری فرصت طلبانه سود گزارش شده فراهم می کند. مدیریت سود به عنوان یکی از حیاتی ترین شیوه های مشکوک ثبت شده است که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی زیان بار قابل توجهی دارد (دچاو و همکاران، ۱۹۹۶؛ کلاین، ۲۰۰۲؛ لئوز و همکاران، ۲۰۰۳). مدیریت سود با چندین انگیزه شروع می شود (به عنوان مثال انگیزه های بازار سهام، انگیزه های قراردادهای پاداش، انگیزه های قراردادهای بدهی، انگیزه های سیاسی). در نتیجه، کیفیت گزارشگری مالی به طور قابل ملاحظه ای پایین تر است زیرا سرمایه گذاران اطلاعات نادرستی در مورد عملکرد مالی واقعی واحدهای تجاری دریافت می کنند. این می تواند باعث مشکلات انتخاب نامطلوب و خطرات اخلاقی شود (الناهاس و همکاران^۵، ۲۰۲۲).

¹ Halaoua et al.

² Cao et al.

³ Volado et al.

⁴ Vijayana & gari

⁵ Elnahass et al.

نهاد های نظارتی در بازارهای سهام بر نقش مکانیسم های مختلف حاکمیت شرکتی تأکید دارند. برای محدود کردن شیوه های مدیریت سود بر اساس دست کاری و حفاظت از منافع سهامداران، مکانیسم های حاکمیت داخلی مختلف (به عنوان مثال، هیئت مدیره و کمیته حسابرسی) و مکانیسم های حاکمیت خارجی (مانند حسابرسی و مقررات) بایستی توسط سازمان ها به کار گرفته شوند (فاما و جنسن^۱، ۱۹۸۳). مطالعات موجود (به عنوان مثال زای و همکاران، ۲۰۰۳؛ لاتریدیس و کادینوریس ۲۰۰۹، سالم و همکاران، ۲۰۲۱) نشان می دهد که حاکمیت مؤثر و کیفیت افشاء بالا بایستی فرصت طلبی مدیریتی را محدود کند. به عنوان مثال، یک هیئت مدیره مؤثر می تواند مدیریت ارشد را از طرف سهامداران نظارت کند تا عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران و هزینه های نمایندگی را کاهش دهد. از یک منظر، شواهد تجربی قبلی در مورد حاکمیت و مدیریت سود اغلب مؤسسات مالی را با توجه به محیط های نهادی و نظارتی منحصر به فردشان حذف می کنند (جو و کیم، ۲۰۰۷؛ زلاتا و همکاران، ۲۰۱۸). صنعت بانکداری با توجه به نقش واسطه گری و تأمین مالی آن که به طور مداوم تحت نظارت شدید بازار است، یک رکن ضروری برای ثبات اقتصادی و مالی جهانی را تشکیل می دهد (تالورا و همکاران، ۲۰۱۸). در حالی که بانک ها در فعالیتهای اجتماعی و توسعه ای جوامع نقش دارند، برخی بانک ها عدم شفافیت و شیوه های مالی مشکوک اخلاقی و گزارش های مالی متقلبانه دارند (گروگیو و همکاران^۲، ۲۰۱۴). پیچیدگی و تنوع ابزارها و معاملات مالی بانکی منجر به عدم تقارن اطلاعاتی قابل توجهی می شود. از منظر دیگر، فقدان مطالعات تجربی در منابع بررسی نقش نوع بانک (یعنی بانک های اسلامی در مقابل بانک های متعارف) بر رابطه حاکمیت شرکتی - مدیریت سود وجود دارد (تالورا و همکاران^۳، ۲۰۱۸). مطالعات قبلی همچنین قادر به بررسی نقش دین داری در میانجیگری ارتباط بین حکمرانی مؤثر و مدیریت سود نبوده اند. این تأثیر می تواند برای سیستم های بانکی خاص مانند بانک های اسلامی که با شیوه های تجاری مذهبی و مکانیسم های پیچیده حاکمیت داخلی در مقایسه با هم تیان متعارف آن ها مشخص می شود، فراگیر باشد. بنابراین، تحقیقات در مورد حاکمیت و مدیریت درآمد در نهادهای مذهبی (به عنوان مثال، بانکداری اسلامی) پربار شده است. چند مطالعه نشان داده اند که هنجارهای مذهبی یهودی - مسیحی بر کیفیت درآمد (کاناگارتنام و همکاران^۴، ۲۰۱۵). بی نظمی های گزارشگری مالی، بازده سهام و نوسانات (الخرزعلی و همکاران^۵، ۲۰۱۷)؛ تصمیم گیری شرکتی و فساد تأثیر می گذارد. با توجه به موارد مطرح شده هدف تحقیق پاسخگویی به این سوال است که:

آیا سازوکارهای حاکمیت داخلی بر شیوه های مدیریت سود اثر دارد؟

تعریف مفهومی اصطلاحات و واژه ها استقلال کمیته حسابرسی

استقلال کمیته حسابرسی اغلب به عنوان ویژگی ضروری تأثیر گذار بر اثر بخشی کمیته حسابرسی در فرآیند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می شود زیرا اعضای کمیته مدیان خارجی و مستقل از مدیریت هستند. اهمیت استقلال کمیته حسابرسی در اکثریت توصیه ها و قوانین برای تشکیل اجباری کمیته حسابرسی منعکس می شود، که توصیه یا الزام می کنند که اکثریت اعضای کمیته حسابرسی باید از مدیران غیر موظف باشند (کاترین و همکاران، ۲۰۱۳).

¹ Fama & jenson

² Gerogiv et al.

³ Talavra et al.

⁴ Kanagartnam et al.

⁵ Alkhazali et al.

اندازه کمیته حسابرسی

اندازه کمیته حسابرسی می تواند تأثیر سازنده ای روی کمیته داشته باشد. کمیته ی حسابرسی بزرگ تر می تواند مؤثرتر باشد به طوری که کمیته ها تمایل دارند که شامل اعضای با تخصص های گوناگون برای انجام کنترل جدی تر رویه های گزارشگری مالی باشند. کمیته بلوریون (۱۹۹۹) توصیه می کند که کمیته ی حسابرسی حداقل باید سه عضو داشته باشد.

استقلال هیات مدیره

معنای آیین نامه ای اینکه چه کسی یک عضو مستقل هیئت مدیره است؟ شامل موارد زیر است:

۱- اگر عضو مستقل هیئت مدیره سهامدار نیز باشد، سهامش باید با نظر به اینکه او یک عضو هیئت مدیره است اعطا گردد و نباید از مجموع ۵ درصد بالاتر رود.

۲- عضو مستقل نباید در طول دو سال گذشته در خود شرکت و هر مؤسسه مربوط به آن شرکتی از زیر مجموعه های آن و یا هر شرکت وابسته دیگری کار کرده باشد.

۳- عضو مستقل نباید استخدام هر شرکت دیگری باشد که به شرکت مذکور خدمات و کالاهای اساسی ارائه می دهد.

۴- عضو مستقل نباید همسر یا فامیل درجه اولی داشته باشد که از سهامداران عمده شرکت است یا در خود شرکت در هر مقام مدیریتی- اجرایی فعالیت می کند و یا در مقامی است که می تواند مکانیزم های کنترل داخلی شرکت را تحت تأثیر قرار دهد.

۵- اگر یکی از اعضای مستقل هیئت مدیره سهامدار نیز باشد به دلیل وظیفه اش به عنوان عضو هیئت مدیره، سهام، سود حاصل از این سهام و پاداشی که در ازای عضویت در هیئت مدیره به وی تعلق میگیرد، نباید از سقف معین شده توسط قانون بیشتر باشد.

۶- اعضای مستقل هیئت مدیره نباید نماینده سهامداران عمده باشند یا اینکه سهامدار عمده ای را در هیئت مدیره نمایندگی کنند.

در کل اصول حاکمیت شرکتی، استقلال را در ارتباط با منافع مالی عضو تعریف می کند. در بعضی کشورها استقلال منحصرأ به معنای نداشتن منافع مالی به غیر از درآمدهای ناشی از عضویت در هیئت مدیره است. چنین تعریفی نه تنها همسو کردن منافع اعضای هیئت مدیره و سهامداران را سخت می کند، بلکه در ارتباط با مفهوم استقلال ضروری نیست (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۳).

اندازه هیات مدیره

هیئت مدیره یا هیئت راهبران یک شورا متشکل از اعضای انتخاب شده یا انتصاب شده است که سیاست گذاری و تصمیم گیری کلان سازمان را بر عهده دارند. به طور کلی به تعداد اعضای عضو هیات مدیره شرکتی اندازه هیات مدیره اطلاق می گردد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۳).

مدیریت سود

به مداخله ی عمومی مدیریت در فرایند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف مدیریت باشد مدیریت سود گفته می شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۷).

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

محمدی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان، بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیلی قدرت مدیرعامل بیان کردند، با توجه به تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد بانک، مدیران عامل می‌توانند در انجام مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در مدیریت سود نقش داشته باشند و در حوزه گزارشگری مالی، باوجود پیامدهای متفاوت اعمال مدیریت سود در بانک‌ها و اثرات آن روی صنایع دیگر و اقتصاد کلان، بانک‌ها بیشتر از سازمان‌های غیرمالی به شیوه‌های مدیریت سود تمایل دارند. علاوه بر این، به دلیل عدم شفافیت و عدم تقارن اطلاعاتی، بانک‌ها ملزم به ارائه بازخورد به جامعه بیش از سایر صنایع هستند. براین اساس، پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود بانک‌ها صورت گرفته است. بدین منظور نمونه پژوهش شامل ۱۶ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در بازه زمانی سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دادند که، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر مدیریت سود بانک‌ها تأثیر منفی و معناداری دارند. این بدان معناست که افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش عدم شفافیت اطلاعات مالی و در نتیجه کاهش مدیریت سود بانک‌ها می‌شوند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند، قدرت مدیرعامل در تعدیل رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود بانک‌ها نقشی ندارد.

علیخانی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی، بررسی ارتباط معاملات با اشخاص وابسته و ابعاد مالکیت بر روش‌های مدیریت سود بیان کردند، هدف این مقاله بررسی ارتباط معاملات با اشخاص وابسته و ابعاد مالکیت بر روش‌های مدیریت سود بوده است. قلمرو مکانی این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بوده است. در این پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته متغیر مستقل و شیوه‌های مدیریت سود متغیر وابسته در نظر گرفته شد. پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد، چنانچه طبقه بندی انواع پژوهش‌های بر اساس ماهیت و روش را مدنظر قرار گیرد، روش پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار داشته و از نظر روش نیز در دسته پژوهش‌های همبستگی محسوب می‌گردد. بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از آمارتوصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده‌ها ابتدا پیش‌آزمون‌های ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون جارک-برا و سپس از آزمون رگرسیون چند متغیره برای تأیید و رد فرضیه‌های پژوهش (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. نتایج نشان داد بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود واقعی و تعهدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به علاوه اثر مشترکی از ابعاد مختلف ساختار مالکیت و معاملات با اشخاص وابسته بر شیوه‌های مدیریت سود واقعی و تعهدی وجود دارد؛ نتایج به دست آمده در این پژوهش با مستندات اشاره‌شده در چارچوب نظری پژوهش و ادبیات مالی مطابقت دارد.

خوشکار و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان، شیوه‌های مدیریت سود واقعی و اقلام تعهدی، ترکیب هیئت‌مدیره و پایداری سود بیان کردند، پایداری سود بیانگر ثبات و دوام سود است. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، سودهای با دوام و باثبات به دلیل استمرار آنها مطلوب هستند و سهم قابل‌توجهی در تداوم و پایداری بلندمدت یک شرکت و اثربخشی بازار مالی دارد. هدف این تحقیق بررسی رابطه شیوه‌های مدیریت سود واقعی و اقلام تعهدی و ترکیب هیئت‌مدیره با پایداری سود می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش برگرفته از صورت‌های مالی ۱۴۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۹ می‌باشد. پژوهش انجام‌شده از نظر نوع هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است و روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی

همبستگی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی پژوهش از شیوه تحلیل پانلی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد، بین مدیریت سود اقلام تعهدی و پایداری سود رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد؛ همچنین بین استقلال هیئت‌مدیره و پایداری سود رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ اما نتایج بیانگر آن بود که رابطه میان مدیریت سود واقعی و اندازه هیئت‌مدیره با پایداری سود معنی‌دار نیست.

پیشینه خارجی

پرونیسکا و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان، تأثیر مدیریت سود بر کارایی بانک: شواهدی از بانک‌های تحت نظارت بانک مرکزی اروپا بیان کردند، هدف این مطالعه بررسی تأثیر مدیریت سود بر کارایی بانک‌های منطقه یورو و بررسی تکامل زمانی آن تا زمان اجرای استاندارد بین‌المللی گزارش‌گری مالی ۹ می‌باشد. نتایج این مطالعه با استفاده از داده‌های ۷۰ بانک، نشان داد که مدیریت سود، که به عنوان ذخایر زیان وام اختیاری تعریف می‌شود، تأثیر منفی بر کارایی دارد. در همین حال، هنگامی که ذخایر زیان غیر اختیاری (مواردی که بر اساس تعهدات قانونی مورد نیاز است) را نیز لحاظ می‌کنیم، برخلاف تأثیر منفی ذخایر اختیاری، ذخایر زیان وام بر کارایی تخصیص تأثیر مثبتی دارد. این یافته به تأکید بر اهمیت تعریف مناسب مدیریت سود، یعنی اهداف تجزیه و تحلیل اثر آن بر کارایی بانکی کمک می‌کند.

چیانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۳) تأثیر موضوعات کلیدی حسابرسی بر رابطه ریسک اعتباری و کیفیت سود بیان کردند، هدف این مطالعه بررسی این موضوع می‌باشد که آیا افشاء اجباری و فراوانی زیاد موضوعات کلیدی حسابرسی احتمالاً اثر ریسک اعتباری بالا بر کیفیت سود را تعدیل می‌کند یا خیر. این مطالعه از ۱۵۱۰۶ مشاهده سالانه شرکت‌های تایوانی برای بررسی رابطه بین کیفیت سود و ریسک اعتباری در دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ استفاده می‌کند. ما از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای برای آزمایش اینکه آیا وجود افشاء موضوعات کلیدی حسابرسی ارتباط بین کیفیت سود و ریسک اعتباری را تعدیل می‌کند و همچنین برای بررسی اینکه آیا فراوانی بالای موضوعات کلیدی حسابرسی ارتباط بین کیفیت سود و ریسک اعتباری را تعدیل می‌کند یا خیر، استفاده می‌کنیم. نتایج ما نشان می‌دهد که افشاء اجباری موضوعات کلیدی حسابرسی، تأثیر شرکت‌هایی با ریسک اعتباری بالاتر بر کیفیت سود را تعدیل می‌کند. علاوه بر این، شواهد معناداری وجود دارد که نشان می‌دهد هرچه فراوانی افشاء موضوعات کلیدی حسابرسی بیشتر باشد، این اثر تعدیلگر بیشتر می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظرهدف علمی- کاربردی است. این پژوهش از نظر ماهیت، نوع و امکانات اجرایی نیز در دسته پژوهش‌های توصیفی- همبستگی قرار می‌گیرد. پژوهش توصیفی شامل مجموعه روشهایی است که هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای پژوهش توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری کردن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. در پژوهش از نوع همبستگی، هدف اصلی بررسی وجود رابطه‌ای بین دو یا چند متغیر کمی (قابل سنجش) و تعیین اندازه و میزان این رابطه است.

¹ Proença et al.

² Chiang et al.

مدل رگرسیونی تحقیق

$$ACCR_{i,t} = C + \beta_1 ASIZE_{i,t} + \beta_2 ACIN_{i,t} + \beta_3 BOSI_{i,t} + \beta_4 BOIN_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 CHARTER_{i,t} + \beta_7 CAR_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ACCR: شیوه‌های مدیریت سود.

ASIZE: اندازه کمیته حسابرسی.

ACIN: استقلال کمیته حسابرسی.

BOSI: اندازه هیئت‌مدیره.

BOIN: استقلال هیئت‌مدیره.

Size: اندازه بانک.

Charter: ارزش بانک.

Car: نسبت سرمایه به دارایی بانک.

Age: عمر بانک.

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

شیوه‌های مدیریت سود در بانک‌ها

برای اندازه‌گیری مدیریت سود، از یاسودا و همکاران (۲۰۰۴) پیروی می‌کنیم. و مدل رگرسیونی زیر را برآورد می‌کنیم:

$$ACCR_t / TA_{t-1} = a_1 (1 / TA_{t-1}) + a_2 (\Delta OI_t / TA_{t-1}) + a_3 (PPE_t / TA_{t-1}) + \varepsilon_t \quad (e)$$

که $ACCR_t$ کل اقلام تعهدی محاسبه شده به‌عنوان تفاوت بین درآمد خالص و جریان‌های نقدی عملیاتی است، TA_{t-1} ارزش کل دارایی‌ها، ΔOI_t تغییر در درآمد عملیاتی بین $t-1$ تا t ، PPE_t دارایی بانک، کارخانه و تجهیزات و ε_t عبارت خطا است (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).

متغیر مستقل

اندازه هیئت‌مدیره

تعداد اعضای هیئت‌مدیره (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).

اندازه کمیته حسابرسی

تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی شرکت به‌عنوان اندازه کمیته حسابرسی در نظر گرفته شده است (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).

استقلال هیئت‌مدیره

نسبت تعداد مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).

استقلال کمیته حسابرسی

اگر میانگین تعداد اعضای غیر موظف کمیته حسابرسی نسبت به میانگین نمونه تحقیق مساوی یا بیشتر باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می گیرد (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).

متغیرهای کنترل

Size: اندازه بانک: لگاریتم دارایی های بانک (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).
Charter: ارزش بانک: این شاخص از مجموع ارزش بازار سهام عادی و ارزش دفتری کل بدهی ها به ارزش دفتری کل دارایی ها محاسبه می گردد (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).
Car: نسبت سرمایه به دارایی بانک: نسبت مجموع حقوق صاحبان سهام به دارایی ها (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).
Age: عمر بانک: تعداد سال های به وجود آمدن بانک تا سال انجام تحقیق (الناهاس و همکاران، ۲۰۲۲).

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۴۰۱-۱۳۹۳ می باشد.

به علت محدود و هدفمند بودن جامعه تحقیق کل جامعه به عنوان نمونه انتخاب می شود.

بانک ملت

بانک شهر

بانک صادرات

بانک گردشگریاد

پست بانک

بانک تجارت

بانک پارسیان

بانک پاسارگاد

بانک دی

بانک کارآفرین

بانک اقتصاد نوین

بانک سرمایه

بانک سینا

بانک ایران زمین

بانک خاورمیانه

بانک حکمت ایرانیان

با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند ۱۶ بانک به عنوان نمونه آماری انتخاب شد.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اول تحقیق: اندازه هیئت مدیره بر شیوه های مدیریت سود اثر معناداری دارد.

فرضیه دوم تحقیق: اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.
فرضیه سوم تحقیق: استقلال هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.
فرضیه چهارم تحقیق: استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.

آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش اعم از متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی، از داده‌های ۹ ساله شرکت‌ها (۱۳۹۳-۱۴۰۱) گردآوری شده است. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است و این جدول بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. پارامترهای توصیفی، عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر مقدار حداقل، حداکثر، میانگین و همچنین، اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی، نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
شیوه‌های مدیریت سود	ACCR	۰/۱۱۶	۱/۷۶۹	۱/۷۳۵	-۱/۴۵۴	۱۳/۵۴۸
اندازه کمیته حسابرسی	ASIZE	۳/۱۷	۳	۰/۵۵	۳	۵
استقلال کمیته حسابرسی	ACIN	۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۱۳۳	۰	۱
اندازه هیئت‌مدیره	BOSI	۵/۰۰۵	۵	۰/۱۱۵	۵	۷
استقلال هیئت‌مدیره	BOIN	۰/۶۵	۰/۶	۰/۴۲۳	۰/۰۰۰	۱
اندازه بانک	Size	۱۴/۶۵۸	۱۴/۵۷۱	۱/۴۴۴	۹/۹۹۶	۲۰/۷۶۸
عمر بانک	Age	۲/۷۸۲	۳/۵۱۲	۳/۴۵۳	-۵/۶۳۵	۸/۱۰۹
نسبت سرمایه به دارایی بانک	Car	۰/۸۳۶	۰/۷۵۸	۰/۵۰۹	۰/۰۷۲	۲/۳۹۹
ارزش بانک	Charter	۰/۳۸۶	۰/۱۰۶	۰/۸۵۲	-۰/۴۷۹	۲/۵۳۲

آمار استنباطی

آزمون ایم، پسران و شین (مانایی متغیرهای پژوهش)

در داده‌های سری زمانی معمولاً از آزمون‌هایی همچون دیکی- فولر و دیکی- فولر تعمیم یافته برای بررسی مانایی متغیرها (آزمون ریشه واحد) استفاده می‌شود. با این حال در مورد داده‌های پانل نمی‌توان برای بررسی مانایی متغیرها از چنین آزمون‌هایی استفاده نمود؛ بلکه لازم است به نحوی مانایی جمعی متغیرها آزمون شود. برای این منظور باید از آزمون ایم، پسران و شین استفاده شود.

جدول (۲): نتیجه آزمون ایم، پسران و شین متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره t	سطح معناداری
شیوه‌های مدیریت سود	ACCR	-۱۱.۰۴۸	۰.۰۰۰۰
اندازه کمیته حسابرسی	ASIZE	-۵.۵۱۸۴	۰.۰۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	ACIN	-۶.۷۶۶۷	۰.۰۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	BOSI	-۳۱.۳۴۱	۰.۰۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	BOIN	-۱۲.۵۵۸	۰.۰۰۰۰

اندازه بانک	Size	-۳۱.۳۲۴
عمر بانک	Age	-۳۱.۳۲۵
نسبت سرمایه به دارایی بانک	Car	-۶.۰۴۵۰
ارزش بانک	Charter	-۴.۲۸۰۱

طبق این آزمون، بایستی برای برقراری این فرض، سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد. همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری و آماره t مربوط به کلیه متغیرهای پژوهش بیانگر مانایی متغیرهای پژوهش می‌باشد.

آزمون وایت

در آزمون وایت دو فرضیه H_0 و H_1 به صورت زیر مطرح می‌شوند:

H_0 : ناهمسانی واریانس وجود دارد.

H_1 : ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

در این آزمون، در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، فرض H_0 رد نمی‌شود و اگر سطح معناداری بالای ۵ درصد باشد، فرض H_0 رد خواهد شد و فرض H_1 رد نمی‌شود. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۳ آورده شده است.

جدول (۳): نتیجه آزمون وایت در سطح اطمینان ۹۵ درصد

مدل	آماره F	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل اول پژوهش	۶/۰۲۳	۰/۰۰۰	مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد.

همانطور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری این آزمون برای مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است و این بدین معناست که در مدل پژوهش، مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد. اما در هنگام برآورد این مدل و به دست آوردن ضرایب رگرسیون، این مشکل به واسطه استفاده از روش رگرسیون تعمیم یافته (EGLS) برطرف شده است (افلاطونی و نیکبخت، ۱۴۰۱).

آماره دوربین - واتسون و آزمون بروش - گودفری

در مطالعات اقتصادسنجی که بر مبنای سری‌های زمانی قرار دارند، فرض عدم همبستگی سریالی بین جملات پسماند که از فروض مهم مدل کلاسیک است، اغلب نقض می‌شوند، بنابراین لازم می‌باشد که قبل از تفسیر نتایج حاصل، به بررسی پدیده خود همبستگی سریالی بین جملات پسماند پرداخته شود؛ زیرا در صورت وجود خودهمبستگی سریالی بین اجزاء اخلاص، تخمین‌زن‌های OLS دیگر در بین تمام تخمین‌زن‌ها بدون تورش و کارا نیستند یعنی دارای حداقل واریانس نمی‌باشند و در نتیجه استنباط آماری، قابل اعتماد نخواهد بود. این مشکل بیشتر در داده‌های سری زمانی دیده می‌شود. برای کشف خود همبستگی از آماره دوربین واتسون استفاده می‌شود؛ اما برای کشف مشکل خودهمبستگی نمی‌توان فقط به آماره دوربین - واتسون اکتفا کرد و بهتر است که از آزمون بروش - گودفری (ضرایب لاگرانژ) نیز استفاده شود. به طور کلی آماره دوربین واتسون، همبستگی سریالی بین باقیمانده (خطا) های رگرسیون را آزمون می‌نماید. مقدار این آماره بین ۰ تا ۴ تغییر می‌کند. اگر همبستگی بین مانده‌های متوالی وجود نداشته باشد، مقدار آماره آن باید نزدیک ۲ شود. اگر مقدار آماره نزدیک به صفر شود، نشان دهنده همبستگی مثبت بین باقیمانده‌ها و اگر نزدیک به ۴ شود، نشان دهنده همبستگی منفی بین باقیمانده‌های متوالی است. به طور کلی، اگر آماره دوربین - واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را پذیرفت (مومنی و قیومی، ۱۳۸۶). طبق نتایج حاصل شده از جدول ۴-۵ میزان آماره دوربین واتسون برای مدل‌های این پژوهش در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته است.

جدول (۴): نتایج آماره دوربین - واتسون

نتیجه آزمون	مقدار دوربین واتسون	مدل
طبق این آماره، خود همبستگی وجود ندارد.	۱/۹۰۵	مدل اول پژوهش

همانطور که گفته شد، در این پژوهش برای کشف خودهمبستگی از آزمون بروش-گودفری نیز استفاده شده است. در این آزمون فرض H_0 و H_1 به شرح زیر مطرح می‌شوند:

H_0 : مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

H_1 : مشکل خودهمبستگی وجود دارد.

در این آزمون، اگر سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد باشد، فرض H_0 رد نمی‌شود، اما اگر سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، فرض H_1 رد نمی‌شود و خودهمبستگی وجود دارد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): نتیجه آزمون بروش - گودفری

نتیجه آزمون	سطح معناداری	آماره F	مدل
مشکل خودهمبستگی وجود دارد.	۰/۰۰۰	۸/۹۲۷	مدل اول پژوهش

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مدل پژوهش، بین خطاهای مدل، مشکل خود همبستگی وجود دارد. البته در هنگام برآورد ضرایب مدل‌ها، با استفاده از راه‌حل ارائه شده توسط افلاطونی (۱۳۹۳) این مشکل برطرف شده است (چگونگی رفع مشکل طبق افلاطونی (۱۳۹۳): اضافه نمودن متغیر $AR(1)$ در هنگام برآورد نهایی مدل که این متغیر برای نرم‌افزار ایویوز تعریف شده است و فقط کافی است که به هنگام برآورد نهایی مدل‌های پژوهش، متغیر $AR(1)$ را به انتهای مدل‌ها اضافه نماییم و با افزودن این متغیر، مشکل خود همبستگی رفع خواهد شد. همانطور که در پیوست این تحقیق در رابطه با خروجی نهایی برآورد مدل‌های پژوهش آمده است، با اضافه کردن متغیر $AR(1)$ ، یک دوره از تحقیق کسر می‌شود و بالای جداول نهایی برآورد مدل‌ها، دوره هشت ساله پژوهش به دوره هفت ساله تغییر پیدا کرده است؛ اما نکته قابل توجه این است که دوره پژوهش همان هشت سال است و فقط نرم افزار به ازای اضافه کردن متغیر $AR(1)$ یک سال را کسر می‌نماید؛ وگرنه دوره اصلی پژوهش همان هشت سال است؛ حتی در پژوهش‌هایی که دارای دوره طولانی هستند (به طور مثال، دوره‌های چهارده ساله) ممکن است که مشکل خودهمبستگی مرتبه دوم و سوم نیز وجود داشته باشد که در این صورت بایستی $AR(1)$ ، $AR(2)$ ، $AR(3)$ را اضافه نماییم و به ازای هر کدام از این متغیرها، نرم افزار یک سال از دوره پژوهش را کسر می‌نماید ولی تغییری در دوره اصلی پژوهش ایجاد نمی‌شود).

آزمون جارک - برا

در هنگام استفاده از روش رگرسیون، نرمال بودن جملات پسماند در مدل برآزش شده از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد. یکی از آزمون‌هایی که نرمال بودن جملات پسماند را مورد آزمون قرار می‌دهد، آزمون جارک- برا و نمودار جملات اخلاص است. در این آزمون، فرض‌های ذیل تدوین می‌شود:

H_0 : جملات پسماند دارای توزیع نرمال است.

H_1 : جملات پسماند دارای توزیع نرمال نیست.

در این پژوهش، از آزمون جارک- برا برای بررسی نرمال بودن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۶ ارائه شده است. طبق این آزمون بایستی سطح معناداری و احتمال آماره آزمون بالای ۵ درصد باشد. شواهد حاصل از این آزمون مبین نرمال بودن جملات خطا می‌باشد. اما مطابق با کتاب افلاطونی (۱۳۹۳) این امر نمی‌تواند در پژوهش ما خللی ایجاد نماید. از سوی دیگر، در تئوری و روش‌های آماری، روش منحصر به فردی برای نرمال کردن داده‌ها وجود ندارد. مگر اینکه پراکندگی را کاهش داده و داده‌های پرت را حذف نماییم که در این پژوهش این کار انجام شده است و دیتای

پرت حذف شده است. به عبارت دیگر، زمانی که اندازه نمونه به میزان کافی بزرگ باشد ($n \geq 30$) و سایر فروض کلاسیک نیز برقرار باشند، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده‌ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع‌های مناسب پیروی می‌کنند، بدون تورش هستند و از کارایی برخوردارند (افلاطونی، ۱۳۹۳).

جدول (۶): نتیجه آماره و احتمال آزمون جارک-برا (پسماند متغیرها)

نتیجه آزمون	احتمال آماره آزمون	آماره جارک-برا	مدل
توزیع باقیمانده‌ها نرمال نیست.	۰/۰۰۰۱	۱۸/۰۶۴	مدل اول پژوهش

آزمون هاسمن

قاعده‌ی آماری تصمیم‌گیری در آزمون هاسمن به شکل زیر است:

H0: پنل دیتا دارای الگوی اثرات تصادفی می‌باشد.

H1: پنل دیتا دارای الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

در این آزمون، در صورتی که سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد باشد، الگوی اثرات تصادفی بر الگوی اثرات ثابت برتری دارد و چنانچه سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد.

جدول (۷): نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	سطح معناداری	آماره	مدل
الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد.	۰/۰۰۰	۲۴/۳۶۸	مدل اول پژوهش

همانطور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، برای مدل اول پژوهش، سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد است؛ یعنی هنگام برآورد این مدل، الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول (۸): نتایج آزمون مدل اول پژوهش

$ACCR_{i,t} = C + \beta_1 ASIZE_{i,t} + \beta_2 ACIN_{i,t} + \beta_3 BOSI_{i,t} + \beta_4 BOIN_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 CHARTER_{i,t} + \beta_7 CAR_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر وابسته: شیوه‌های مدیریت سود					
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	c	۰.۰۷۴۹۲۹	۰.۲۵۵۹۲۱	۴.۲۰۰۲۳۹	۰.۰۰۰۰
اندازه کمیته حسابرسی	ASIZE	-۰.۱۳۴۶۳۷	۰.۰۶۰۵۸۹	-۲.۲۱۷۷۰۳	۰.۰۲۶۷
استقلال کمیته حسابرسی	ACIN	-۰.۰۸۹۶۳۲	۰.۰۲۵۴۱۰	-۳.۵۲۷۴۰۰	۰.۰۰۰۴
اندازه هیئت‌مدیره	BOSI	-۰.۰۵۸۹۵۳	۰.۰۱۵۴۴۵	-۳.۸۱۶۸۵۳	۰.۰۰۰۱
استقلال هیئت‌مدیره	BOIN	-۰.۰۱۵۷۲۲	۰.۰۰۴۲۱۶	-۳.۷۲۹۲۹۵	۰.۰۰۰۲
اندازه بانک	Size	۰.۰۲۹۰۸۱	۰.۰۱۴۶۳۵	۱.۹۸۷۱۱۹	۰.۰۴۷۲
عمر بانک	Age	-۰.۰۴۳۷۶۲	۰.۰۱۶۵۱۰	-۲.۶۵۰۶۰۷	۰.۰۰۸۲
نسبت سرمایه به دارایی بانک	Car	-۰.۱۳۵۴۰۰	۰.۰۵۸۸۱۹	-۲.۳۰۱۹۸۷	۰.۰۲۱۶
ارزش بانک	Charter	۰.۱۷۱۹۷۷	۰.۰۱۲۸۶۲	۱۳.۲۷۱۲۴	۰.۰۰۰۰
متغیر رفع مشکل خودهمبستگی	AR(1)	۰.۹۱۸۶۶۵	۰.۰۱۸۳۵۸	۵۰.۰۴۰۹۱	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین		۵.۸۳۲۵۹			۳۶.۴۴۶۶۷
			آماره F		

.....	سطح معناداری	۰.۵۷۵۴۸۷	ضریب تعیین تعدیل شده
		۱.۹۰۵۳۹۵	دوربین واتسون

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که میزان دوربین واتسون $1/9.05$ است، لذا طبق این آماره، مشکل خود همبستگی مرتبه اول جود ندارد که همانگونه که گفته شد، فقط به این آماره بسنده نمی‌شود و از آزمون بروش گودفری نیز استفاده شده است. همچنین، میزان آماره F (فیشر) $36/446$ و سطح معناداری آن $(0/000)$ است و چون میزان سطح معناداری زیر خطای 5% است، لذا مدل رگرسیونی خطی چندگانه این پژوهش معنادار است. همچنین، میزان ضریب تعیین تعدیل شده $0/575$ است. این رقم نشان می‌دهد که حدود $57/5$ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

فرضیه اصلی

ساز و کارهای حاکمیت داخلی بر مدیریت سود بانکها در بازار سرمایه ایران تأثیر دارد.

فرضیات فرعی

فرضیه اول تحقیق

اندازه هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد. نتایج به دست آمده از جدول ۸ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر اندازه هیئت‌مدیره و شیوه‌های مدیریت سود برابر با $0/0001$ و مقدار ضریب آن -0.058953 می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از 5% ($0/001 > 0/05$)، فرضیه اول تأیید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه اول در جهت مثبت تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که اندازه هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم تحقیق

اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد. نتایج به دست آمده از جدول ۸ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود برابر با 0.1343 و مقدار ضریب آن $0/0267$ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از 5% ($0/05 > 0$)، فرضیه دوم تأیید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه دوم در جهت منفی تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم تحقیق

استقلال هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد. نتایج به دست آمده از جدول ۸ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر استقلال هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود برابر با $0/0002$ و مقدار ضریب آن -0.015722 می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از 5% ($0/0002 > 0/05$)، فرضیه سوم تأیید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه سوم در جهت منفی تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که استقلال هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم تحقیق

استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد. نتایج به دست آمده از جدول ۸ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود برابر با $0/0004$ و مقدار ضریب آن -0.089632 می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($0/0004$)، فرضیه چهارم تأیید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه چهارم در جهت منفی تأیید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که بین استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

خلاصه نتایج فرضیه‌ها

خلاصه نتایج فرضیات چهار فرضیه تحقیق در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول (۹): خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	شرح فرضیه	نوع رابطه	نتیجه گیری
اول	اندازه هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.	معکوس	تأیید شد
دوم	اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.	معکوس	تأیید شد
سوم	استقلال هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.	معکوس	تأیید شد
چهارم	استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد.	معکوس	تأیید شد

تفسیر نتایج فرضیه‌ها

تفسیر فرضیه اول

فرضیه اول نشان داد، اندازه هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. ادبیات نظری دو دیدگاه متضاد پیرامون نقش اندازه هیئت‌مدیره بر عملکرد هیئت‌مدیره دارد. دیدگاه اول بیان می‌دارد که هیئت‌مدیره با تعداد اعضای زیاد باعث به وجود آمدن مشکلات نمایندگی می‌شود؛ زیرا ممکن است تعدادی از اعضای هیئت‌مدیره به عنوان افراد بی‌منفعت عمل نمایند و همچنین کنترل و نظارت بر مدیرعامل به صورت کارا صورت نگیرد. از سوی دیگر دیدگاه دوم بیان می‌دارد که هیئت‌مدیره کوچکتر از مزیت‌ها و منافع نظرات و پیشنهادهای تخصصی و متنوع که در هیئت‌مدیره بزرگتر وجود دارد، محروم است. یک هیئت‌مدیره با تعداد اعضای کم ممکن است توسط مدیرعامل آسانتر کنترل شود در حالی که نفوذ و سیطره مدیرعامل بر یک هیئت‌مدیره با تعداد اعضای بیشتر دشوارتر است. با در نظر گرفتن این موضوع که نقش اصلی هیئت‌مدیره نظارت بر مدیریت است، پژوهش‌ها در زمینه اندازه هیئت‌مدیره فقط از منظر نظارت مورد بررسی قرار می‌گیرد. ژی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) به این نتیجه رسیدند که تعداد بیشتر اعضای هیئت‌مدیره با سطوح پایین مدیریت سود ارتباط دارد. ابوت و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نیز رابطه‌ای بین اندازه هیئت‌مدیره و احتمال تقلب مشاهده نکردند. کولتن و همکاران^۳ (۲۰۱۴) فرضیه رابطه منفی بین اندازه هیئت‌مدیره و احتمال مدیریت فرصت طلبانه سود را تأیید کردند. هر چند که کوکی و همکاران (۲۰۱۷) اظهار کردند که بین اندازه

¹ Zhi et al.

² Abot et al.

³ Kolten et al.

هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد. نتایج تحقیق با تحقیق کوکی و دیگران^۱ (۲۰۱۷) زی و دیگران (۲۰۲۲)، براتن و همکاران^۲، (۲۰۱۳) نگون و همکاران^۳ (۲۰۲۲) همسو می باشد.

تفسیر فرضیه دوم

اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. علاوه بر اندازه هیئت مدیره (و کمیته حسابرسی)، اثربخشی هیئت مدیره در عملکرد نظارتی آن با استقلال آن تعیین می شود (جان و سبت، ۱۹۹۸). بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران مستقل می توانند قضاوت مستقلی را برای حفاظت از منافع سهامداران در صورت وجود تضاد نمایندگی اعمال کنند (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). با توجه به نیاز به توسعه و حفظ شهرت در بازار کار، و از آنجایی که مدیران مستقل دارای تخصص ارزشمند و شبکه‌های بالقوه‌ای هستند که می تواند به نفع شرکت باشد (فاما و جنسن، ۱۹۸۳؛ پاتان و اسکالی^۴، ۲۰۱۰)، هیئت مدیره‌هایی که تحت غالبیت مدیران مستقل هستند در موقعیتی بهتر برای نظارت و کنترل فعالیت‌های مدیران وجود دارد (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). اگر مدیران مستقل در هیئت مدیره نظارت را افزایش دهند، مدیریت سود کمتر خواهد بود (کورنت و همکاران، ۲۰۰۹). برای مثال، بیلی (۱۹۹۶)، بررسی می کند که آیا گنجاندن نسبت‌های بزرگتر اعضای خارجی در هیئت مدیره، احتمال تقلب در صورت‌های مالی را کاهش می دهد یا خیر و دریافت که شرکت‌های غیر کلاهبردار هیئت‌هایی با درصد اعضای خارجی بیشتر نسبت به شرکت‌های کلاهبردار دارند. دجو و همکاران^۵ (۱۹۹۶) از نمونه‌ای از شرکت‌های مشمول اقدامات اجرایی کمیسیون اوراق بهادار و بورس بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۲ برای تحقیق در مورد شرکت‌هایی که ادعا می شود GAAP را نقض کرده‌اند تا درآمدهای خود را بیش از حد اعلام کنند استفاده کردند و با کسب و کارهایی که این کار را نکرده بودند آن‌ها را مقایسه کردند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی که سود را دست کاری می کنند، به احتمال زیاد هیئت مدیره‌ای با نسبت کمتری از اعضای مستقل دارند. کلاین^۶ (۲۰۰۲) یک رابطه منفی بین استقلال هیئت مدیره و اقلام تعهدی غیرعادی یافتند.

تفسیر فرضیه سوم

استقلال هیئت مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. موضوع رعایت حقوق ذینفعان در شرکت‌ها در نتیجه کنترل اقدامات مربوط به مدیریت سود از طریق هیأت مدیره مستقل دلیل اصلی بررسی رابطه بین مدیریت سود و استقلال هیأت مدیره در این تحقیق است. بررسی‌ها رابطه منفی و معنادار بین این دو متغیر را نشان داد و علت آن این است که استقلال هیئت مدیره سبب نظارت بیشتر بر رویه‌های شرکت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نهایت دستکاری سود می گردد. باتوجه به این که مقدار آماره آزمون برای استقلال هیئت مدیره برابر با ۹۲،۳- بوده بنابراین این متغیر با مدیریت سود رابطه معنادار و منفی دارد یعنی با کنترل سایر متغیرهای مدل به ازای افزایش یک واحد در استقلال هیئت مدیره مقدار مدیریت سود به میزان ۹۲،۳- واحد کاهش می یابد. تاکا و اماریکا^۷ (۲۰۱۶) در خصوص تأثیر کنترل های داخلی بر مدیریت سود و تحقیق چریستسن و همکاران^۸ (۲۰۱۵)

¹ Koki et al.

² Beraten et al

³ Nguyen

⁴ Patan, eskali

⁵ Decho et al

⁶ kelayn

⁷ Taka, amarika

⁸ Cheristenson et al.

(۲۰۱۵) در خصوص تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر عملکرد وچن و همکاران (۲۰۱۱) در خصوص تأثیر افزایش استقلال هیات مدیره بر مدیریت سود و نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) در خصوص رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود همخوانی دارد.

تفسیر فرضیه چهارم

استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. نتایج حاکی از این است که منابع بیشتر کمیته حسابرسی یا به عبارتی تعداد اعضای زیاد کمیته حسابرسی به دلیل وجود تخصص و تجربه‌های گوناگون اعضا موجب نظارت مؤثر بر فرآیند گزارشگری مالی شده و باعث کاهش مدیریت سود می‌گردد. این نتیجه با یافته‌های نگونن و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، فودیو و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، لین و هوانگ^۳ (۲۰۱۰) و گوش و همکاران^۴ (۲۰۱۰) هم‌راستا می‌باشد. علاوه براین، نتایج نشان می‌دهد استقلال کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد با این شرط که اکثریت اعضای کمیته حسابرسی (بیش از ۵۰٪) را اعضای مستقل تشکیل داده باشند. به عبارت دیگر، استقلال کم کمیته حسابرسی قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران نخواهد بود.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به فرضیه اول تحقیق، بر مبنای یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود، اندازه هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. بررسی این موضوع می‌تواند به سرمایه‌گذاران و سهامداران در ارزیابی بهتر فعالیت ها و بازدهی آتی سهام شرکت کمک کند.

✓ با توجه به فرضیه دوم تحقیق، اندازه کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. به شرکتها پیشنهاد می‌شود با تدوین استراتژیهای لازم، اندازه کمیته حسابرسی را افزایش دهند تا فرصت طلبی مدیران را کاهش دهند و کارایی شرکت را افزایش تا خطر ورشکستگی و بحران مالی کاهش یابد

✓ با توجه به فرضیه سوم تحقیق، استقلال هیئت‌مدیره بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد. به شرکت‌های سهامی توصیه می‌شود بدلیل تأثیر استقلال هیئت مدیره بر کاهش مدیریت سود نسبت اعضای غیر موظف را در بخش هیئت مدیره افزایش دهند. به مدیران نیز توصیه می‌شود برای حفظ اعتبار خود و با توجه به نگرش آیین نامه حاکمیت شرکتی توسط بورس اوراق بهادار تهران استقلال خود را حفظ نمایند.

✓ با توجه به فرضیه چهارم تحقیق استقلال کمیته حسابرسی بر شیوه‌های مدیریت سود اثر معناداری دارد، به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود بانکها را بر اساس استقلال کمیته حسابرسی که در این تحقیق بررسی شد رتبه بندی نمایند تا بانکها از محتوای اطلاعاتی این معیار جهت ریسک بحران مالی استفاده نمایند. و فرصت طلبی مدیران را کاهش دهند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

به‌منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:
✓ تعیین تأثیر میزان تمرکز مالی بر مدیریت سود بانکها در بازار سرمایه ایران.

¹ Nguyen

² Fodio et al

³ Lin,hoang

⁴ Gosh et al.

- ✓ بررسی رابطه بین اثربخشی مدیریت ریسک سود بانکها در بازار سرمایه ایران با استفاده از آزمون علیت گرانچر.
- ✓ ارائه مدلی برای دستیابی به مدیریت ریسک اثربخش در صنعت بانکداری.
- ✓ تأثیر سازوکارهای حاکمیت داخلی بر مدیریت سود بانکها در بازار سرمایه ایران.

منابع

- ✓ خوشکار، فرزین، رفیع زاده پشکه، فرهاد، ایزدبخش، محسن، (۱۴۰۱)، شیوه های مدیریت سود واقعی و اقلام تعهدی، ترکیب هیئت مدیره و پایداری سود، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۵۱۳-۵۳۲.
- ✓ علیخانی، حسین، زیودار، زهره، رضایی، حمید، (۱۴۰۲)، بررسی ارتباط معاملات با اشخاص وابسته و ابعاد مالکیت بر روش های مدیریت سود، اولین کنفرانس بین المللی توانمندی مدیریت، مهندسی صنایع، حسابداری و اقتصاد، بابل.
- ✓ محمدی، سامان، اوربایی، زهرا، نادری، علی، (۱۴۰۲)، بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و مدیریت سود بانکها با تأکید بر نقش تعدیلی قدرت مدیرعامل، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۲۰، شماره ۲۷، صص ۱۸۳-۲۱۸.
- ✓ نیکومرام، هاشم، محمدزاده سالطه، حیدر، (۱۳۸۹)، رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، مدیریت بهره وری (فراسوی مدیریت)، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۸۷-۲۰۹.
- ✓ Al-Khazali, O., Bouri, E., Roubaud, D., Zoubi, T., (2017). The impact of religious practice on stock returns and volatility. *Int. Rev. Financ. Anal.* 52, 172–189.
- ✓ Dechow, P.M., Sloan, R.G., Sweeney, A.P., (1996). Causes and consequences of earnings manipulation: an analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC. *Contemp. Account. Res.* 13 (1), 1–36.
- ✓ Elnahass, Marwa, Aly Salama b, Noora Yusuf, (2022), Earnings management and internal governance mechanisms: The role of religiosity, *Research in International Business and Finance*, <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2021.101565>
- ✓ Jo, K., Kim, Y., (2007). Disclosure frequency and earnings management. *J. Financ. Econ.* 84 (2), 561–590.
- ✓ Klein, A., (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *J. Account. Econ.* 33 (3), 375–400.
- ✓ Kanagaretnam, K., Lobo, G.J., Wang, C., (2015). Religiosity and earnings management: international evidence from the banking industry. *J. Bus. Ethics* 132 (2), 277–296.
- ✓ Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P.D., (2003). Earnings management and investor protection: an international comparison. *J. Financ. Econ.* 69 (3), 505–527.
- ✓ Salem, R., Usman, M., Ezeani, E., (2021). Loan loss provisions and audit quality: evidence from MENA Islamic and Conventional Banks. *Q. Rev. Econ. Financ.* 79,
- ✓ Talavera, O., Yin, S., Zhang, M., (2018). Age diversity, directors' personal values, and bank performance. *Int. Rev. Financ. Anal.* 55, 60–79.
- ✓ Vladu, A.B., Amat, O., Cuzdriorean, D.D., (2017). Truthfulness in accounting: how to discriminate accounting manipulators from non-manipulators. *J. Bus. Ethics* 140 (4), 633–648
- ✓ Wijayana, S., Gray, S.J., (2018). Capital market consequences of cultural influences on earnings: the case of cross-listed firms in the US stock market. *Int. Rev. Financ. Anal.* 57, 134–147.
- ✓ Xie, B., Davidson, W.N., Dadalt, P.J., (2003). Earnings management and corporate governance: the role of the board and the audit committee. *J. Corp. Financ.* 295–316.

- ✓ Zalata, A.M., Tauringana, V., Tingbani, I., (2018). Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter? Int. Rev. Financ. Anal. 55, 170–183.

